



مقدمات تدبیر در قرآن

جلسه چهارم: ۹۶/۴/۲۱

ادامه سوره مبارکه ناس:

* جلسه گذشته چند نکته مهم بیان شد:

۱- رب و الله و ملک مردم، خداست. پس مردم حوائجشان را از دیگران نخواهند بلکه از رب و الله و ملک بخواهند. اعم از حوائج در رزق، محبت و ...

۲- وقتی فهمیدیم کاری درست است نباید در آن کار تأخیر بیندازیم. زیرا تأخیر اندختن در کاری که می‌دانیم درست است زمینه وسوسه را ایجاد می‌کند. (خناس یعنی تأخیر اندختن و اگر کسی تأخیر نیندازد، وسوسه نمی‌شود).

۳- باید نسبت به آنچه که به آن انس می‌گیریم دقت داشته باشیم زیرا وسوسه‌ها از دریچه انس وارد زندگی می‌شوند. (چون انس جمع انسان است و انسان از ریشه انس است و آنچه که در وسوسه شدن زمینه است انس‌های انسان است.

۴- وسوسه‌ها در بستر زندگی اجتماعی شکل می‌گیرند. البته هیچ‌کس حق ندارد بستر زندگی اجتماعی را ترک کند. در عین ازدواج و تشکیل خانواده و فرزنددار شدن و مواجه شدن با انواع فتنه‌ها باید زندگی کند و توحیدش را حفظ کند. خارج شدن از دل زندگی اجتماعی و توحیدی زندگی کردن، غرض خلقت انسان نبوده است بلکه انسان رشد یافته، کسی است که در دل زندگی اجتماعی که آبستن انواع وسوسه‌ها و مشکلات است توحیدی زندگی کند.

پدرسی سوره مبارکه ناس به وسیله کتاب‌های روش‌های تدبیر (ده جلد):

- یکی از کارهایی که در مقدمات تدبیر باید انجام گیرد این است که همه افراد تصویر پیدا کنند که جلدی‌های بعدی تدبیر (۹ جلد بعدی) چه هستند و چه کارایی دارند. یعنی افق آینده مقدمات تدبیر برای افراد مشخص شود که قرار است هر کس چه چیزهایی بخواند و هر کدام چه فایده‌ای دارند؟

روش‌های تدبیر در قرآن:

- «تدبر در قرآن» یعنی هر کسی به قرآن مراجعه کند و قرآن را در سطح فهم خودش بفهمد. به اینکه فرد فهمش را با یک روشی نظاممند کند، «روش‌های تدبیر» گفته می‌شود.

- سخن سر این است که هر انسانی باید قرآن را بخواند، بفهمد و افق و برنامه‌های زندگی اش را بر اساس قرآن تنظیم کند.

- تدبیر در قرآن:

✓ اولاً: رفع شباهات قرآنی می‌کند. صدرصد شباهات به خاطر عدم تدبیر در قرآن است.

✓ ثانياً: قفل اینکه روح ایمان در زندگی ما با قرآن باز نمی‌شود، با تدبیر باز می‌شود.

- اشتباه کردیم که در زندگیمان قرآن را حداقل خواندن، تعریف کردیم و پنداشتیم که فقط باید آن را خواند و نگاه کرد و بر آن دست کشید. البته قرآن آنقدر کریم است و نور دارد که هر کاری کنیم حتی به آن نگاه کنیم هم سوء چشم ما را باز می کند.
- باید همه زندگی ما قرآن خواندن و تدبیر در قرآن باشد.
- انسان باید تمام زندگی اش را برای قرآن بگذارد. اگر انسان قرآن بخواند و با قرآن زندگی نکند این با فلسفه زندگی او جمع نمی شود.
- متأسفانه انجام تمام کارهای دیگر در زندگی اثبات شده است اما باید اثبات کنیم که حداقل جایی هم برای قرآن خواندن در زندگی بگذارید.
- باید تمام موضوعات زندگی را باید بهانه قرآن خواندن کند.
- مسیری غیر از قرآن وجود ندارد. اهل بیت هم کاتالیزور هستند اما آنها هم هیچ گاه ما را به مسیر بیرون از قرآن هدایت نکرده‌اند. آنها به خاطر قرآن شهید شدند.
- جاده‌ای غیر از قرآن وجود ندارد قرآن جاده‌ای کنار ۱۴ نور مقدس نیست. «قرآن» روح جاری در ۱۴ نور مقدس است. «لم یفترقا» که پیامبر (ص) فرموده‌اند راست است. هر کس قرآن نخواند قطعاً اهل بیت را نشناخته است و برداشتن از قرآن عوامانه است. البته منظور بی تأثیر بودن توسل به اهل بیت به تنها بی نیست بلکه منظور این است که به ما اجازه نداده‌اند که از مسیر بیرون از قرآن راه را طی کنیم.
- تولید علم نیز باید بر اساس قرآن باشد. بدون قرآن و تولید علم بدون قرآن نمی‌توان جامعه ساخت.

روش داشتن برای قرآن مخواندن (روش‌های تدبیر در قرآن):

- ۱- قدرت علمی تولید می‌کند.
- ۲- تقوای علمی ایجاد می‌کند.
- توضیح: اجازه نمی‌دهد هر نکته‌ای بگوییم. مثلاً اگر قبلًا ۴ نکته می‌گفتیم که سه‌تای آن ذوقی بود روش به ما یاد می‌دهد که ۴۰ نکته بگوییم و هیچ کدام هم ذوقی نباشد. با دلیل و حجت و مستند باشد لذا مطالب قابل استفاده می‌شود.
- ۳- ایجاد طهارت خیال می‌کند.

توضیح: وقتی درباره قرآن فکر می‌کنیم ذهنمان مشغول قرآن است و دیگر مشغول غیر خدا نمی‌شود. بهره‌مندی از وحی و معارف دینی طهارت خیال می‌خواهد. طهارت خیال اعم از پاک کردن خیال از موضوعات گناه‌آلود است و هر آنچه که نباید آن در ذهن آید و هر آنچه که باید در ذهن آید. مراقبة اکثر علماء ایجاد طهارت خیال است. طهارت خیال بسیار دشوار است. انسان می‌تواند جوارحش را راحت کنترل کند اما کنترل خیال بسیار دشوار است. طهارت خیال احتیاج به کارهای عملی هم دارد. حضرت علامه طباطبائی روشهای عملی برای طهارت خیال دارند. طهارت خیال با صرف تمرین‌های جوارحی اتفاق نمی‌افتد.

«روش»، به ذهن نظم و چارچوب می‌دهد و به انسان کمک می‌کند طهارت خیال پیدا کند. تا انسان ذهنش طهارت خیال پیدا نکند، به وحی و الهام متصل نمی‌شود.

طهارت خیال کسی درست شود، ریشه حسد در او خشک می‌شود. زیرا حسد حاصل مقایسه است و اگر انسان خیالش را کنترل کند حسد در او پاک می‌شود.

تدبیر باید میزان ادب در برابر علماء را در انسان زیاد کند.

ده جلد اول روش‌های تدبیر در قرآن:

۱- مقدمات تدبیر در قرآن

۲- روش‌های تفکر در قرآن

۳- روش‌های تدبیر کلمه‌ای

۴- روش‌های تدبیر سوره‌ای

۵- روش‌های تدبیر قرآن به قرآن

۶- روش‌های تدبیر بین سوره‌ای (سور مکی)

۷- روش‌های تدبیر بین سوره‌ای (سور مدنی)

۸- روش‌های تدبیر ادبی ۱

۹- روش‌های تدبیر ادبی ۲

۱۰- روش‌های تدبیر روایی

* توضیحی درباره «صدور»:

- «صدور» از صدر گرفته شده است و محل ابرازات انسان را «صدر» گویند.

- انسان‌ها اگر می‌خواهند از پناه سوره ناس بهره‌مند شوند باید محل ابرازاتشان را کنترل کنند.

- «قلب» محل ادراکات انسان است.

- شیطان به قلب ما راه ندارد لذا هیچ وقت در قلوب انسان‌ها نمی‌تواند کاری کند و این خود انسان‌ها هستند که به قلوبشان آسیب می‌زنند. شیاطین و وسوسه کننده‌ها فقط به صدر انسان راه دارند اما می‌توانند از طریق بیمار کردن صدر، قلب را بیمار کنند.

- انسان‌ها باید صدورشان را کنترل کنند. مثلاً ما معتقدیم که دروغ، غیبت، حسد و ... بد است اما باید هنگام ابراز، جلوی آن را بگیریم و با آن بجنگیم.

- یکی از جاهایی که بین جوارح انسان نماد صدر انسان است، «چشم» می‌باشد. چشم انسان محل ویژه ابراز صدر در انسان است. جلوی زبان را راحت می‌توان گرفت اما جلوی چشم را سخت می‌توان گرفت. مثلاً ممکن است فرد با زبان تیکه نپراند و زخم زبان نزند اما با چشم‌هایش این کار را می‌کند و ... لذا هرکس سعی کند روی چشم‌هایش کنترل و مراقب داشته باشد. گاهی اوقات چشم‌های آدم غوغایی می‌کنند که در صدر انسان چه خبر است مثلاً چه حسدی در صدرش دارد.

- باید چشم‌ها را کنترل کرد. مثلاً از دست بچه عصبانی می‌شویم اشکالی ندارد حتی اگر لازم است دعوایش کنیم اشکالی ندارد، اما نباید اجازه دهیم که محبتمن نسبت به بچه از چشمانمان برود و جای آن را کینه بگیرد. بچه‌ها خوب می‌توانند تشخیص دهند که آن زمان او را دوست ندارید.

- «قلب» هسته «صدر» است و قلب محل نزول روح است. «فؤاد» قلبی را گویند که داد و ستد زیادی داشته باشد.

- توجه:

✓ برای مراقبت از صدر باید «چشمانمان» را کنترل کنیم.

✓ برای مراقبت از قلب باید «طهارت خیال» پیدا کنیم.

اللَّهُمَّ صلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَامْرِئِ الْعَالَمِينَ